

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

عرض کردیم که مرحوم آخوند(قدس سره) چهار مقدمه برای اثبات امتناع امر و نهی مطرح فرموده‌اند، دو مقدمه را مورد بحث قرار دادیم و دو مقدمه‌ی دیگر باقی مانده‌است.

بررسی مقدمه چهارم آخوند(ره)

یک مقدمه که در کلام آخوند (ره) به عنوان مقدمه‌ی چهارم آمده را اول عرض کنیم؛ ایشان فرموده‌اند: یک وجود واحد بیش از یک ماهیت واحد ندارد و این مطلب مسلم و میرهنی است، اگر یک وجود واحد بخواهد دارای دو ماهیت باشد، لازمه‌اش این است که دارای دو فصل مستقل باشد و فصل هم عنوان مقوم دارد و امکان ندارد که یک وجود و ماهیت، دارای دو مقوم باشد. لذا این معنا و مقدمه‌ی چهارم ایشان مقدمه‌ی خیلی روشنی است. وجود واحد بیش از یک ماهیت واحد ندارد.

مقدمه سوم آخوند(ره): «تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمی‌شود»

عمده مقدمه‌ی سوم ایشان است، مرحوم آخوند(ره) در مقدمه‌ی سوم فرموده‌اند: تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمی‌شود، اگر یک وجود، دارای عناوین متعدده هم باشد، این عناوین متعدده، موجب تعدد معنون نیست. معنون یعنی آنچه که این عنوان بر او صدق و تطبیق پیدا می‌کند و شاهدی که مرحوم آخوند(ره) اقامه کرده‌اند، صفات و اسمائی است که، برای باری تعالی قرار داده شده‌است. با اینکه اسامی و صفات متعدد است، اما مع ذلک، معنون یکی است.

با این مقدمه، مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: در صلاة در دار غصبی، نمی‌توانیم بگوییم: صلاة یک مطابق و غصب مطابق دیگری دارد، که در نتیجه بگوییم: چون معنون‌ها و مطابق‌ها متعدّدند، لذا باید اجتماع امر و نهی، ممکن باشد.

بعبارة أُخري ایشان فرموده‌اند: اگر تعدد عنوان موجب تعدد معنون شود، هر عنوانی، یک مطابق جدایی از دیگری داشته باشد. ولو وجود، وجود واحد است، اما بگوییم: این عنوان، به جهت خصوصیتی که در این وجود هست، بر او صدق می‌کند و در نتیجه مطابق و معنون او چیزی است، عنوان دیگر هم، به خاطر خصوصیت دیگری که در این وجود هست، بر او صدق می‌کند و مطابق و معنون چیز دیگری هست. اگر این را بگوییم، دیگر اجتماع امر و نهی مانعی ندارد.

اما فرموده‌اند: به نظر ما، اگر هزار عنوان هم داشته باشیم، در جایی که وجود، وجود واحد است، این عناوین متعدده، سبب تکثر و تعدد معنون نمی‌شود. یعنی بر همان که صلاة صدق می‌کند، بر همان هم غصب صدق می‌کند، مطابق اینها در عالم خارج، یک چیز است. این خلاصه‌ی فرمایش مرحوم آخوند(ره) بود.

اشکال محقق اصفهانی(ره) بر مرحوم آخوند(ره)

مرحوم محقق اصفهانی(ره) (نهایة الدرایه، جلد 2، صفحه 315) بر مرحوم آخوند(ره) اشکال کرده‌اند که، این فرمایش شما را، به نحو کبرای کلی نمی‌توانیم بپذیریم. بلکه ادعایمان این است که: تعدد عنوان «قد يستلزم تعدد المعنون و قد لا يستلزم تعدد المعنون».

فرموده‌اند: در بعضی موارد برهان داریم بر اینکه، تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمی‌شود. بعبارة اُخري برهان قائم شده بر اینکه یک شیء واحد، نمی‌تواند مطابق برای دو مفهوم باشد و دو مفهوم بر آن صدق کند. بعد به علیت و معلولیت مثال زده، فرموده‌اند: یک شیء واحد در عالم خارج، نمی‌تواند هم مطابق برای مفهوم علیت و هم مطابق برای مفهوم معلولیت باشد، که بگوییم: این شیء، آن هم از یک حیث واحد، هم عنوان علیت و هم عنوان معلولیت را دارد.

در بعضی از موارد برهان داریم که، مفاهیم متعدده، محال است بر شیء واحد صدق کنند. در چنین مواردی روشن است که، اگر این مفاهیم صد تا هم شود، معنون متعدد نیست. در عالم خارج شیء واحد داریم و چون بین این مفاهیم تقابل وجود دارد، مانند مفهوم علیت و مفهوم معلولیت، که در زمان واحد بر یک شیء واحد صدق نمی‌کنند.

و فرموده‌اند: گاهی اوقات هم برهان بر این معنا نداریم. در این قسم دوم که برهان نداریم هم، مفاهیم را دو دسته کرده و فرموده‌اند: یک دسته از مفاهیم، مفاهیمی هست که مبدأ آن مفهوم، در مرتبه‌ی ذات شیء است، مانند مفهوم عالم، که دارای یک مبدأ به نام علم است.

اگر نسبت به باری تعالی حساب کنیم، علم در مرحله‌ی متأخره از ذات باری تعالی نیست، ذات خداوند تبارک و تعالی تماماً عنوان علم را دارد. قادر مفهومی است که مبدأش قدرت است، قدرت در یک مرتبه‌ی متأخره از ذات خداوند نیست. در این مفاهیم، که مبدأ آن در مرتبه‌ی ذات است، تعدد مفهوم و عنوان، موجب تعدد معنون نمی‌شود.

اگر گفتیم: «الله تبارک و تعالی عالمٌ قادرٌ حی قیومٌ»، اسامی خداوند و صفات را آورده‌اند، اینطور نیست که بگوییم: در اینجا تعدد عنوان موجب تعدد معنون می‌شود، یعنی این «عالمٌ» به خاطر خصوصیتی که در خداوند هست، صدق «عالمٌ» می‌کند. چون مبدأ علم، عین ذات خداوند است و در مرتبه‌ی متأخر از او نیست، این اسماء و عناوین یک مطابق بیشتر ندارند، لذا در اینجا می‌گوییم: تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمی‌شود.

لذا در کلمات فلاسفه هم این تعبیر هست که، خداوند تبارک و تعالی «وجودٌ کَلَّهٌ، وجوبٌ کَلَّهٌ، علمٌ کَلَّهٌ، قدرتٌ کَلَّهٌ»، در باب اسماء و صفات گفته‌اند: حقیقت خداوند، حقیقتی است که، تماماً عین علم است، تماماً عین قدرت است نه اینکه خداوند هم یک حقیقتی داشته باشد، که از یک جهت عالم باشد و از جهت دیگر قادر باشد، از جهات دیگر صفات دیگر را داشته باشد، «علمٌ کَلَّهٌ، وجوبٌ کَلَّهٌ، وجودٌ کَلَّهٌ». یا در بعضی از تعابیر دیگر، «علمٌ لا جهل فیهِ، حیات لا موت فیهِ، نورٌ لا ظلمة فیهِ» را داریم. پس در این دسته از مفاهیم، که مبدأ آن مفهوم در مرتبه‌ی ذات هست، تعدد عنوان و مفهوم موجب تعدد معنون نمی‌شود.

در قسم دوم، مفاهیمی داریم که، مبدأ در خود ذات نیست و متأخر از ذات است، یعنی خود مبدأ، وجودی مغایر با ذات دارد و لکن قائم به ذات است، مثل اعراضی که عارض بر یک شیء می‌شوند. مثلاً در ممکنات می‌گوییم: «زیدٌ عالمٌ ابیضٌ» و صفات دیگر.

این عالم، به جهت یک مبدأ در این زید است، این مبدأ علم، غیر از ذات زید است، مبدأ علم در ممکنات، مغایر با ذات و متأخر

از ذات و قائم به ذات است. ابیض هم، انطباقش بر جسم، به لحاظ عروض مبدأ بیاض در این جسم است.

مرحوم اصفهانی(ره) فرموده‌اند: در این گونه از عناوین که، یک مبدأ مغایر با ذات و غیر از ذات دارد، ولو قائم به ذات باشد، تعدد عنوان موجب تعدد معنوی است، یعنی از آن حیثی که به این زید می‌گوییم: عالم، نمی‌شود به وی ابیض گفت، از آن حیثی که به او می‌گوییم: قادر، نمی‌شود به وی عالم گفت.

این عالم، به جهت یک خصوصیتی در زید است، به نام مبدأ علم، از این جهت به آن عالم می‌گوییم، ابیض به جهت خصوصیت دیگری به نام بیاض است، که این بیاض غیر از ذات زید است، یک مبدأ متأخر از ذات زید است، از این جهت به آن ابیض می‌گوییم و همچنین قادر....

ایشان فرموده‌اند: در این گونه عناوین که یک مبدأ متأخر از ذات دارد، تعدد عنوان موجب تعدد معنوی است.

بعضی از تلامذهای ایشان مثل مرحوم آقای خوئی(ره) (محاضرات، جلد 4، صفحه 251) عین همین مطلب را فرموده‌اند که: این را که مرحوم آخوند(ره) به نحو کبرای کلی گفته‌اند: تعدد عنوان موجب تعدد معنوی نیست، ما قبول نداریم. در بعضی از موارد، تعدد عنوان موجب تعدد معنوی هست و در بعضی از موارد، تعدد عنوان موجب تعدد معنوی نیست.

توهمی در فهم کلام مرحوم آخوند(ره) و دفع آن

نکته‌ای که اینجا باید مطرح کنیم این است که، اگر از مرحوم آخوند(ره) بپرسیم، شما که گفته‌اید: تعدد عنوان موجب تعدد معنوی است، آیا می‌خواهید بگویید: این یک فرد در عالم خارج دو فرد می‌شود؟ مثلاً اگر زید دارای پنج عنوان باشد، بنا بر این که، تعدد عنوان موجب تعدد معنوی است، آیا می‌خواهد بگوید: این یک وجود در عالم خارج، چند وجود می‌شود؟

این مطلبی است که، هیچ کس توهم آن را هم نمی‌کند. یک وجود در عالم خارج، چند وجود نمی‌شود، یک وجود که تشخص و فردیت پیدا کرده، «وجود واحد فی الخارج»، اگر صد عنوان هم داشته باشد، صد وجود نمی‌شود. هیچ کسی این حرف را نمی‌گوید که: در جایی که وجود واحد است، عنوان هم واحد است و در جایی که عنوان متعدد شد، این وجود هم خارجاً متعدد می‌شود. احدی چنین چیزی را نگفته‌است.

پس مقصود مرحوم آخوند(ره) از این نزاع چیست؟ مقصود همین است که در کلمات مرحوم اصفهانی(ره) بیان شده و آن این است که: بحث در مطابق (بالتح) این مفاهیم است. یعنی اگر عنوان واحد است، مطابق هم واحد است، اگر عنوان متعدد شد، آیا مطابق متعدد می‌شود یا نه؟ یعنی این عنوان به جهت این مطابقی است که در این وجود هست. اگر در یک جا، عنوان متعدد شد، اینطور بگوییم که: تعدد عنوان موجب تعدد خصوصیات است، که هر عنوانی بر یکی از این خصوصیات صدق می‌کند. اصلاً نزاع در این است.

در ذهن بعضی از بزرگان هم، شاید همین بوده‌است. اینکه می‌گوییم: تعدد عنوان موجب تعدد معنوی است، نه یعنی یک وجود، دو وجود است، هرگز اینطور نیست. اصلاً این قابل توهم هم نیست که بگوییم: وجود واحد چند وجود شد.

بلکه آنهایی که گفته‌اند: تعدد عنوان موجب تعدد معنوی هست، می‌گویند: هر عنوانی، یک خصوصیتی دارد و هر عنوانی به جهت وجود آن خصوصیت، بر آن وجود خارجی صدق می‌کند. عنوان دیگر به جهت خصوصیت دیگر، بر آن وجود خارجی صدق می‌کند.

بنابراین در بعضی کلمات بزرگان آمده که، ظاهر عبارت مرحوم آخوند(ره) این است که، اگر بگوییم: تعدد عنوان موجب تعدد

معنون است، یعنی دو، سه وجود شود. به هیچ وجه به نظر ما ظاهر عبارت آخوند(ره) این نیست. مقصود مرحوم آخوند(ره) هم روشن است که، همین معنای دوم است.

لذا شاهدهی هم که مرحوم آخوند(ره) آورده، مؤید همین معناست که، تعدد اسماء در مورد خداوند تبارک و تعالی، چطور سبب نمی‌شود که بگوییم: خصوصیات مغایره باید داشته باشد؟ در بقیه امور هم، باید همین حرف را بزنند.

مرحوم اصفهانی(ره) در آخر فرمایششان فرموده‌اند: لذا ما به نحو کلی نمی‌توانیم حرف بزنیم، باید صغریات را بررسی کنیم. به نحو کلی نمی‌شود گفت: تعدد عنوان مستلزم تعدد معنون است، باید خصوصیات و جزئیات را بررسی کنیم.

نقد و بررسی فرمایش اصفهانی(ره)

اشکال اول بر فرمایش اصفهانی(ره)

ما اساس این فرمایش مرحوم اصفهانی(ره) را قبول داریم، یعنی همانطوری که مرحوم آقای خوئی(ره) فرموده‌اند: این معنا که بگوییم: تعدد عنوان موجب تعدد معنون هست یا نه، با این تفسیر که مقصود از معنون، یعنی آن مطابقی که، این عنوان بر او صدق می‌کند، و الا مقصود از معنون، ف این وجود خارجی نیست.

ما تردیدی نداریم، زید هزار تا اسم هم داشته باشد، یک وجود واحد بیشتر ندارد. آنچه محل نزاع است، ملاک صدق این عنوان، به جهت آن مطابق و معنون است و این روشن است. در مورد خداوند تبارک و تعالی، چون مبدأ عین ذات و در مرتبه‌ی ذات است، تعدد اسماء موجب تعدد معنون نمی‌شود، اما در غیر خداوند، چون مبدأ مغایر با ذات است، موجب تعدد می‌شود.

اساس فرمایش اصفهانی(ره) درست است، لکن نکته این است که: قسمت اولی که ایشان در فرمایششان آورده‌اند، گویا از محل نزاع خارج است، بحث در انطباق دو مفهوم متقابل و متغایر، بر شیء واحد نیست.

در قسمت اول مرحوم اصفهانی(ره) فرموده‌اند: گاهی برهان داریم بر اینکه دو مفهوم بر شیء واحد صدق نمی‌کند. مفهوم علیت و معلولیت مغایرند، وجود و عدم، علم و جهل، مفاهیم متضاده و متقابله‌اند. ظاهراً قسمت اول فرمایش اصفهانی(ره) ارتباطی به بحث ندارد، باید بحث را در قسمت دوم متمرکز کنیم.

اشکال دوم بر فرمایش اصفهانی(ره)

آن وقت باز اشکالی که وجود دارد این است که، چرا ایشان فرموده‌اند: باید در صغریات بحث کنیم، در حالی که خود ایشان به ما ملاک ارائه داده‌اند که، اگر مبدأ مغایر با ذات باشد، تعدد عنوان موجب تعدد معنون است، اگر مبدأ در مرتبه‌ی ذات باشد و مغایر با ذات نباشد، تعدد عنوان موجب تعدد معنون نیست.

با وجود این ملاک، نمی‌توانیم بگوییم: باید در هر صغریایی بررسی کنیم و لذا شروع کرده‌اند به مورد صلاة و غصب، که از این حرکت واحدهی در دار غصبی، که عنوان صلاتی و عنوان غصبی را انتزاع می‌کنیم، باید ببینید که آیا از همان حیثی که صلاة را امضاء می‌کنیم، از همان حیث هم غصب امضاء می‌شود، یعنی من حیثیة واحده است یا من حیثیات متعدده است؟

بگوییم: این حرکت، یک حیث صلاتی است و حیث دیگرش، که با آن حیث هم مغایر است، عنوان غصبی دارد.

پس اشکال دوم به فرمایش مرحوم اصفهانی(ره) - با اینکه عرض کردیم، اساس فرمایش ایشان را قبول داریم که، در مقابل

مرحوم آخوند(ره) که فرموده: تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمی‌شود، می‌گوییم: نه، گاهی می‌شود. — این است که، در جایی که مبدأ آن، عنوان مغایر با ذات و متأخر از ذات باشد، خود همین ملاک است و این ملاک در اینکه بعداً، قائل به امتناع اجتماع امر و نهي و یا اجتماع آن شویم، بسیار مؤثر است.

جمع بندي استاد محترم از بحث

تا اینجا مقدمات بحث اجتماع را تمام کردیم، دلیل آخوند(ره) بر امتناع را خواندیم و ملاحظه کردید که، مقدمه‌ی اول آن، یعنی تضاد را پذیرفتیم، مقدمه‌ی دومش را اشکال کردیم، مقدمه‌ی سوم، که تعدد عنوان بود را اشکال کردیم و مقدمه‌ی چهارم را پذیرفتیم.

نتیجه این می‌شود که، این دلیل بر امتناع که، مرحوم نائینی(ره) فرموده: «امکن الوجود و احسن الوجوه» است، ناتمام است. بحث را همین جا خاتمه می‌دهیم. بعد باید ادله‌ی کسانی که قائل به جوازند، نظریات و ادله‌شان را بخوانیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين